

اخلاق بهک



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

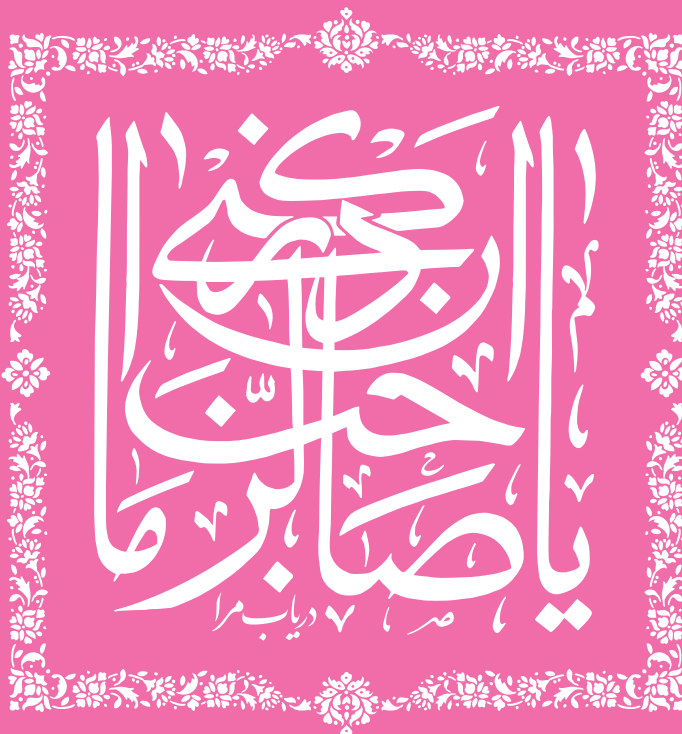
اخلاق بهک



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت

اَلْعِثْمَةُ
اَلْحَبْرُ
اَلْبَرُّ
بَادِمِ

ما صر، ۷ بادم بر



آیت الله ناصری رحمته الله از استادشان آیت الله سید محمد کشمیری رحمته الله درخواست می‌کنند تا اسم اعظم را به ایشان بیاموزد. ایشان می‌فرماید: «اگر اسم اعظم را می‌خواهی، از نام مبارک صاحب الزمان غفلت مکن. اسم اعظم، همان جمله یا صاحب الزمانِ اَغْثَنِی، یا صاحب الزمانِ اُذْرِکْنِی است.»

اقل الخلیفه فی الزمان



اصحاب کاء در کلام آیت الله ناصری

گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت الله ناصری رحمه الله علیه

درباره اصحاب کاء

بنیاد علمی فرهنگی هاد

۱۴۰۳



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت

ناصری دولت‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۰۱-۱۳۰۶.
اصحاب کساء در کلام آیت‌الله ناصری:
گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله ناصری علیه السلام درباره اصحاب
کساء/تحقیق و تدوین محمدحسین مهوری؛
[به سفارش] بنیاد علمی فرهنگی هاد.

قم: خلق، ۱۴۰۳.

۴۶۰ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۶۸۱۶-۴۲-۵

فیبا

کتابنامه: ص. ۴۵۷ - ۴۶۰.

گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله ناصری علیه السلام درباره اصحاب کساء.
ناصری دولت‌آبادی، محمدعلی، ۱۴۰۱-۱۳۰۹. -- وعظ

خاندان نبوت -- سرگذشتنامه

Family -- Biography -- ۶۳۲. Muhammad, Prophet, d

مهوری، محمدحسین، ۱۳۴۰، - گردآورنده

بنیاد علمی فرهنگی هاد

BP۲۵

۲۹۷/۹۳۱

۹۷۱۶۳۸۶

فیبا

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

عنوان دیگر

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

اطلاعات رکورد کتابشناسی

اصحاب کساء در کلام آیت‌الله ناصری

گزیده‌ای از سخنان آیت‌الله ناصری علیه السلام درباره اصحاب کساء

تحقیق و تدوین: محمدحسین مهوری

ناشر: انتشارات خُلُق | شمارگان: ۱۰۰۰

مدیر هنری: محمد مهدی حججی

تمام حقوق محفوظ است.



بنیاد علمی فرهنگی هاد

قم، خیابان صفائیه، کوچه ۲۳، پلاک ۸، انتشارات خُلُق

۰۹۱۲۳۵۱۳۸۷۲ - ۰۲۵۳۷۷۳۷۴۲۹

فهرست

پیشگفتار.....	۱۵
زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله ناصری رحمته‌الله	۱۶
مقدمه.....	۱۹

فصل اول: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم / ۲۱

ولادت.....	۲۳
منشأ اسامی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم	۲۳
نام‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم	۲۵
روزشمار زندگانی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم	۲۷
نگاهی به زندگانی و شخصیت حضرت خدیجه رضی‌الله‌تعالی‌عنه	۲۸
یقین به نبوت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیش از بعثت.....	۳۱
خدیجه رضی‌الله‌تعالی‌عنه نخستین زن مسلمان.....	۳۳
حضرت خدیجه رضی‌الله‌تعالی‌عنه ؛ نخستین زن مؤمن به ولایت.....	۳۴
وفات خدیجه رضی‌الله‌تعالی‌عنه	۳۶
شخصیت حضرت خدیجه رضی‌الله‌تعالی‌عنه	۳۸
تجارت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با مال خدیجه رضی‌الله‌تعالی‌عنه	۴۵
ازدواج پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با حضرت خدیجه رضی‌الله‌تعالی‌عنه	۵۱
فرزندان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از خدیجه رضی‌الله‌تعالی‌عنه	۵۵
فضائل پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم	۵۵
برترین مخلوق.....	۵۶
نخستین مخلوق خداوند.....	۶۱
برترین پیامبر.....	۶۳



گرفتن میثاق از دیگر پیامبران برای آن حضرت ﷺ	۶۶
دارای ولایت کلیّه الهیه	۶۷
عبودیت	۷۲
عصمت	۷۶
رحمت برای همه عالمیان	۷۹
فرستادن صلوات بر آن حضرت ﷺ	۸۴
معجزات پیامبر اکرم ﷺ	۸۸
تبدیل کردن چوب به شمشیر	۹۰
حفظ جان پیامبر اکرم ﷺ	۹۱
امانت پیامبر اکرم ﷺ	۹۲
گلچینی از سخنان گهربار پیامبر اکرم ﷺ	۹۴
سفارش‌های پیامبر اکرم ﷺ به امیرمؤمنان ﷺ	۹۵
باقیات‌الصالحات	۹۹

فصل دوم: امیرمؤمنان علی ﷺ / ۱۰۱

ولادت	۱۰۳
شناخت امیرمؤمنان ﷺ	۱۰۳
امیرمؤمنان ﷺ، مرد نامتناهی	۱۰۵
اشعار شافعی در مدح امیرمؤمنان ﷺ	۱۰۸
آفرینش حضرت علی ﷺ	۱۰۹
خلقت نوری حضرت علی ﷺ	۱۱۰
محبوبیت پیش از وجود	۱۱۱
ولادت در کعبه	۱۱۵
دارای ولایت کلیّه الهیه	۱۱۸
شهادت خداوند به ولایت حضرت علی ﷺ	۱۱۸
لقب امیرالمؤمنین ﷺ	۱۲۱
برخی موارد اعمال ولایت توسط آن حضرت ﷺ	۱۲۲
علی ﷺ، نفس پیامبر اکرم ﷺ	۱۴۰



- ۱۴۲ علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و پیامبر صلی الله علیه و آله از علی علیه السلام
- ۱۴۴ کشتن علی علیه السلام، کشتن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۴۵ علی علیه السلام، شناساننده خداوند
- ۱۴۶ علی علیه السلام بزرگ‌ترین نشانه خدا
- ۱۴۷ راهنمای پیامبران صلی الله علیه و آله
- ۱۴۹ واجد کمالات همه پیامبران صلی الله علیه و آله
- ۱۵۱ نماز خواندن فرشتگان پشت سر حضرت صلی الله علیه و آله
- ۱۵۲ ایمان مُحْسَنَم
- ۱۵۳ اخلاص حضرت صلی الله علیه و آله
- ۱۵۸ عبادت حضرت علی علیه السلام
- ۱۶۱ بیرون آوردن تیر از پای حضرت صلی الله علیه و آله در حال نماز
- ۱۶۱ بی‌هوش شدن از خوف خدا
- ۱۶۴ خواندن هزار رکعت نماز هر شب
- ۱۶۵ صراط مستقیم
- ۱۶۸ معیار و میزان حق و باطل
- ۱۷۰ قسیم الجنة و النار
- ۱۷۳ اجازه‌دهنده عبور از صراط
- ۱۷۵ نام علی علیه السلام، خیرمقدم به بهشتیان
- ۱۷۶ تندیس عدالت
- ۱۷۸ پناهگاه مظلومان
- ۱۷۹ پناهگاه حیوانات
- ۱۸۰ عالم‌ترین مردم، پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۸۰ باب علم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۸۱ عالم به هزار باب علم
- ۱۸۳ رازدار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۸۶ امیرمؤمنان علیه السلام، امام مبین
- ۱۸۸ عالم به کتاب
- ۱۹۱ امیرمؤمنان علیه السلام، نقطه بای «بسم الله»



۲۰۳	 کتاب علی علیه السلام
۲۰۶	 امیرمؤمنان علیه السلام ، معلم جبرئیل
۲۰۷	 سلونی قبل أن تفقدونی
۲۱۰	 قضاوت‌های حضرت علی علیه السلام
۲۱۷	 فصاحت و بلاغت
۲۱۹	 آگاهی از زبان حیوانات
۲۲۰	 شجاعت
۲۲۵	 عشق به شهادت
۲۲۶	 جُود و بخشش
۲۲۸	 بخشیدن شمشیر در جنگ
۲۲۹	 بخشیدن غذا به مسکین و یتیم و اسیر
۲۳۰	 زهد
۲۳۳	 عاقبت دل‌بستگی به دنیا
۲۳۴	 شیوهٔ زندگانی حضرت علی علیه السلام
۲۳۸	 تواضع
۲۳۹	 لقب ابوتراب
۲۴۰	 شستن دست میهمان
۲۴۱	 حلم و بردباری
۲۴۳	 خوش اخلاق
۲۴۵	 اهتمام به امور مردم
۲۴۷	 نخستین مظلوم
۲۴۹	 درددل کردن با چاه
۲۵۱	 نگاهی به وصیت حضرت به فرزندش، امام حسین علیه السلام
۲۵۳	 محبت حضرت علی علیه السلام
۲۵۳	 دوستی با علی علیه السلام ، دوستی با خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۲۵۴	 معیار و ملاک ایمان و کفر
۲۵۴	 معیار حلال‌زادگی
۲۵۷	 عامل سعادت

.....	عامل نجات از آتش	۲۵۷
.....	عدم زیان سیئه با وجود محبت حضرت ﷺ	۲۵۹

فصل سوم: حضرت فاطمه زهرا علیها السلام / ۲۶۱

.....	ولادت	۲۶۳
.....	خانواده حضرت زهرا علیها السلام	۲۶۴
.....	حضرت زینب علیها السلام	۲۶۴
.....	شبه‌ای از فضائل حضرت زهرا علیها السلام	۲۶۸
.....	فضائل آن حضرت علیها السلام پیش از ولادت	۲۷۰
.....	محبوبیت پیش از وجود	۲۷۱
.....	خلقت نوری حضرت زهرا علیها السلام	۲۷۱
.....	نطفه حضرت زهرا علیها السلام	۲۷۶
.....	ولادت حضرت زهرا علیها السلام	۲۸۰
.....	القاب و نام‌های حضرت زهرا علیها السلام	۲۸۱
.....	سیده نساء العالمین (بهترین زنان عالم)	۲۸۴
.....	آیت‌الله العظمی	۲۸۵
.....	محدثه	۲۸۶
.....	العالمه	۲۸۹
.....	ام‌اینها	۲۹۰
.....	بضعة رسول الله صلی الله علیه و آله و بضعة النبی صلی الله علیه و آله	۲۹۸
.....	بتول	۳۰۰
.....	باکیه‌العین (چشم گریان)	۳۰۲
.....	القائعه	۳۰۴
.....	دارای ولایت کلیه الهی	۳۱۰
.....	فرشتگان، خدمتگزار حضرت زهرا علیها السلام	۳۱۰
.....	نزول عذاب با دعای حضرت علیها السلام	۳۱۲
.....	خوشنودی حضرت زهرا علیها السلام	۳۱۴
.....	بقای نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حضرت زهرا علیها السلام	۳۱۶



آثار محبت حضرت زهرا (ع)	۳۲۰
نجات‌دهنده دوستان خود از آتش	۳۲۱
شرکت در مجالس حضرت زهرا (ع)	۳۲۳
جواز بیتوته در مسجدالنبی	۳۲۵
تسبیح حضرت زهرا (ع)	۳۲۸
غصب فدک	۳۳۲
وصیت حضرت زهرا (ع)	۳۴۳
وصیت آن حضرت (ع) درباره اموال و موقوفات خود	۳۴۳
وصیت آن حضرت (ع) درباره فرزندان	۳۴۵
وصیت آن حضرت (ع) درباره غسل و کفن و دفن خودش	۳۴۷
شهادت حضرت زهرا (ع)	۳۴۹

فصل چهارم: امام حسن مجتبی (ع) / ۳۵۳

ولادت	۳۵۵
مراسم نام‌گذاری	۳۵۷
تراشیدن سر و عقیقه کردن	۳۶۱
زندگانی امام حسن مجتبی (ع)	۳۶۱
زندگی حضرت (ع) در زمان پیامبر اکرم (ص)	۳۶۲
پس از رحلت نبی اکرم (ص) تا زمان شهادت پدر بزرگوارش (ع)	۳۶۲
دوران امامت	۳۶۲
امام مجتبی (ع)، در محضر پیامبر اکرم (ص)	۳۶۲
امام حسن (ع)، در زمان پدرش (ع)	۳۶۳
دوران امامت حضرت (ع)	۳۷۰
فضائل آن حضرت (ع)	۳۸۱
دارای ولایت کلیّه الهیه	۳۸۲
برتر از امام حسین (ع)	۳۹۰
مصدق مجمع البحرین	۳۹۱
علم غیب	۳۹۱

۳۹۶	 فصاحت و بلاغت
۳۹۹	 شجاعت امام مجتبیٰ (ع)
۴۰۰	 حلم و بردباری حضرت (ع)
۴۰۲	 جود و بخشش
۴۰۴	 مظلومیت امام مجتبیٰ (ع)
۴۰۵	 نسبت‌های ناروا به امام مجتبیٰ (ع)
۴۰۵	 برخی سخنان حکمت‌آمیز امام حسن (ع)
۴۰۵	 آثار محبت اهل بیت (ع)
۴۰۶	 نشانه‌ی شیعه بودن
۴۰۸	 زائر خداوند

فصل پنجم: امام حسین (ع) / ۴۰۹

۴۱۱	 ولادت
۴۱۵	 شیر خوردن از زبان پیامبر اکرم (ص)
۴۱۷	 فضائل امام حسین (ع)
۴۱۷	 خلقت نوری امام حسین (ع)
۴۱۸	 نزول آیه تطهیر درباره‌ی آن حضرت (ع)
۴۱۹	 نزول آیه مباحله درباره‌ی آن حضرت (ع)
۴۱۹	 جبرئیل گهواره‌چُنبان امام حسین (ع)
۴۲۰	 سرور جوانان بهشت
۴۲۱	 جود و بخشش امام (ع)
۴۲۲	 استجاب دعا زیر قبه‌ی امام حسین (ع)
۴۲۴	 فضیلت تربت امام حسین (ع)
۴۲۸	 آثار و برکات محبت امام حسین (ع)
۴۳۰	 قیام امام حسین (ع)
۴۳۶	 علم امام حسین (ع) به شهادت
۴۴۵	 جوشش خون از زمین به دلیل شهادت امام حسین (ع)
۴۴۶	 عذاب قاتلان امام حسین (ع)

اخلاق بهک



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت

- ۴۴۸ آثار و برکات سوگواری برای امام حسین علیه السلام
- ۴۵۰ آمرزش گناهان
- ۴۵۳ بهشتی شدن
- ۴۵۵ آسان شدن مرگ
- ۴۵۷ فهرست منابع



امیرمؤمنان علی علیه السلام

جَالِسُ الْعُلَمَاءِ يَزِدُّدُ عِلْمُكَ وَيَحْسُنُ أَدَبُكَ وَتَزْكُ نَفْسُكَ^۱

با علما همنشین باش، تا دانشت فزونی یابد، ادب‌ت نیکو گردد و جان‌ت پاک شود.

پیشگفتار

در زمانه‌ای هستیم که آلودگی‌های فناورانه، علاوه بر آلودگی آب‌وهوا، فطرت‌های پاک را نیز با مخاطره و اضطراب مواجه کرده‌اند. در این زمانه بهره‌گیری از عالمان ربانی که با دو بال علم و تقوا به آسمان معارف راه یافته و از آنجا تحفه‌هایی بی‌مانند به ارمغان آورده‌اند و سیراب شدن از چشمه زلال علم و موعظه آنان، بسی گوارا و حیات‌بخش است. از آنجا که هم‌نشینی با چنین عالمانی، چه از جانب عموم علاقه‌مندان و چه از جانب خود آن عالمان بزرگوار، همیشه مقدور و میسر نیست، یکی از راه‌های بهره‌گیری از آن بزرگواران، انس با آثار آنان است. چگونه چنین نباشد و حال اینکه جان‌های نورانی آنان سبب شده است، قلم و بیان‌شان نیز نور بیفشاند و راه بنماید. مجموعه پیش‌رو که دربردارنده آثار بیانی و بنانی حضرت آیت‌الله ناصری رحمته الله است، در همین راستا تدوین و ارائه می‌شود تا راهی باشد برای کسب فیض از محضر آن عالم بزرگوار.

۱. تصنیف غرر الحکم، ص ۴۳۰، ح ۹۷۹۱؛ عبون الحکم، ص ۲۲۳، ح ۴۳۵۰.



زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله ناصری

عالم خودساخته و عاشق دل‌باخته، حضرت آیت‌الله ناصری، در سال ۱۳۰۹ شمسی در دولت‌آباد اصفهان دیده به جهان گشود و در سال ۱۴۰۱ شمسی، در اصفهان دیده فرو بست. خانواده ایشان بهره‌مند از علم و تقوا بود و پدرش، حاج شیخ محمدباقر، عالمی زاهد و وارسته و اهل عبادت بود که از محضر عالمانی گران‌سنگ، همچون آخوند کاشی و جهانگیرخان قشقایی و حاج‌آقارحیم ارباب رحمته‌الله بهره‌های فراوان علمی و عملی برده بود.

مرحوم حاج شیخ محمدباقر برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مهاجرت کرد و بدین‌سان، برای آیت‌الله ناصری که در آن زمان، چهارده سال داشت، فصلی نو و برگی زرین از دفتر زندگی‌اش رقم خورد. پس از دو سال اقامت در جوار امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام، مادر به دیدار حق شتافت و در جوار حرم مولایش آرام گرفت. یک سال پس از رحلت مادر، پدر به ایران بازگشت و فرزند هفده‌ساله خود را به امیر مؤمنان علیه‌السلام سپرد. پدر پیش از ترک نجف، از برخی عالمان ربانی خواست فرزندش را از یاد نبرند و در غیاب وی، به تربیتش اهتمام ورزند. جوار حضرت امیر علیه‌السلام و ارتباط با عالمان وارسته، بهترین زمینه را برای رشد و ترقی معظم‌له فراهم کرد و ایشان نیز از این فرصت و موقعیت، به بهترین شیوه بهره بردند. برخی از استادان سطوح عالی ایشان عبارت بودند از: آیات عظام، امام خمینی، خویی، سید عبدالهادی شیرازی، سید محمود شاهرودی و میرزاهاشم آملی رحمته‌الله.

ایشان در دوران اقامت در نجف اشرف، در اخلاق و معنویت نیز از محضر عالمانی ربانی و انسان‌هایی وارسته، همچون آیت‌الله سید جمال‌الدین گلپایگانی، سید محمد کشمیری، حاج شیخ عباس قوچانی، حاج شیخ محمد کوفی و حاج عبدالزهره گرعاوی رحمته‌الله بهره‌های فراوان بردند. حضرت آیت‌الله ناصری



پس از سالیانی توشه‌اندوزی در محضر حضرت امیر مؤمنان علیه السلام به امر استاد خود، مرحوم آیت‌الحق سید محمد کشمیری، به ایران بازگشتند و در دولت آباد اصفهان، به تربیت نفوس مستعد، تدریس فقه و اصول و تفسیر و نیز اقامه نماز جماعت و پاسخ‌گویی به نیازهای گوناگون مردم مشغول شدند.

مجالس وعظ ایشان، محضر معرفت و معنویت و نیز سازنده و مؤثر بود، به‌ویژه اینکه در کلامشان عشق به یارِ غایب از نظر، حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام موج می‌زد و هنگام ذکر و یاد حضرتش، عنان اختیار از کف داده و اشک و آه را چاشنی سفره کلامشان می‌کردند. آیت‌الله ناصری دل‌داده آن حضرت بودند و پیوسته از او می‌گفتند. ترجیع‌بند کلام ایشان این بود: «در هر حال، یابن‌الحسن را فراموش نکنید»، «روزانه برای سلامتی حضرت صدقه دهید»، «هر روز، نماز امام‌زمان علیه السلام بخوانید» و «برای فرج آن عزیز سفرکرده دعا کنید». این‌ها از سفارش‌های همیشگی آیت‌الله بود که خود نیز به آن‌ها عمل می‌کرد. خدا ایشان را رحمت و امثالشان را در جامعه اسلامی مان فراوان کند.

مرکز پژوهشی اخلاق و تربیت اسلامی،

وابسته به بنیاد علمی فرهنگی هاد

جعفر ناصری دولت‌آبادی

اخلاق پوهک



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت



مقدمه

انسان سرگشته در دنیا، هر روزی به دنبال یک فکر و یک مکتبی در جستجو بوده است. تا از شک‌ها، ترس‌ها و ستم‌ها رها شود و به قرار و آرامش برسد. ولی هر چه بیشتر کوشیده ظلم و بی‌عدالتی فزون‌تر شده است. چرا که راهبر و راهنمای درستی نداشته است. از این‌رو امامت و رهبری مسئله حیاتی بشری است و سرنوشت جامعه و انسان‌ها به آن گره خورده است.

حضرت آیت‌الله ناصری رحمته‌الله در سخنرانی‌های متعددی در طول عمر پربرکت‌شان، ابعاد مختلف موضوع «امامت» را مورد بحث و تبیین قرار داده‌اند که با توجه به گستردگی و تنوع مباحث، تصمیم گرفتیم مطالب را دسته‌بندی کرده و در چند دفتر به خوانندگان ارائه دهیم. در دفتر اول که با عنوان «امامت و ولایت» منتشر شده است، مباحث کلی درباره «امامت عامه» ارائه شده‌اند. در این دفتر نیز، «امامت خاصه» از منظر حضرت آیت‌الله ناصری مورد بررسی و توضیح قرار می‌گیرد.

امامان معصوم علیهم‌السلام دوازده نفرند که اولین و آخرین آن‌ها به ترتیب حضرت امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و حضرت بقیه‌الله علیه‌السلام هستند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جزو امامان علیهم‌السلام شمرده نمی‌شود، اما علاوه بر نبوت، امامت نیز دارد. وقتی حضرت علی علیه‌السلام را نخستین امام می‌نامند، منظور امامان پس از رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. ما در این بحث، با زندگانی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شروع می‌کنیم. همچنین حضرت زهرا علیها‌السلام که سمت امامت ظاهری ندارد، ولی مانند امامان علیهم‌السلام از ولایت کلیه الهی برخوردار است، در اینجا مورد توجه قرار می‌گیرد.



چون جمع‌آوری زندگانی همه معصومان در یک جلد حجم زیادی پیدا می‌کرد؛ آن را به دو جلد تقسیم کردیم. جلد اول درباره زندگانی پنج تن آل عبا علیهم‌السلام است که عبارتند از: حضرت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حضرت علی علیه‌السلام، حضرت فاطمه علیه‌السلام، حضرت امام حسن علیه‌السلام و حضرت امام حسین علیه‌السلام و جلد دوم نیز از امام سجاد علیه‌السلام تا امام زمان علیه‌السلام را شامل می‌شود.

بیان حضرت آیت‌الله ناصری رحمته‌الله، بیانی ساده و قابل فهم و کاربردی برای تمامی اقشار جامعه است. ایشان در بیان زندگانی و فضائل چهارده معصوم علیهم‌السلام مطالبی را بیشتر مورد توجه قرار می‌دادند که جنبه اخلاقی و تربیتی آن‌ها غالب باشد.

امیدواریم این مجموعه ارزنده، مورد قبول و تأیید حضرت ولی عصر علیه‌السلام قرار گرفته و برای خوانندگان محترم مفید باشد.



فصل اول

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

اخلاق پوهک



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت



ولادت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن كلاب بن مرة بن كعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالك بن النضر بن كنانة بن خزيمة بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان،^۱ هنگام سپیده دم روز جمعه، هفدهم ماه ربیع الاول سال عام الفیل،^۲ جهان را به قدوم مبارک خویش روشن کرد.^۳ اهل سنت ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را روز دوشنبه، دوم، دهم و دوازدهم ربیع الاول ذکر کرده‌اند.^۴

منشأ اسمی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله نام‌های زیادی دارند. بعضی بزرگان فرمودند: «خداوند هزار و یک اسم و نبی اکرم صلی الله علیه و آله هزار اسم دارد.» یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک اسم کمتر از خدا دارد.

این فرمایش حرف صحیحی است و وقتی موشکافانه بررسی شود، بسیار عالی است؛ چون اینکه حضرت حق، هزار و یک اسم دارد؛ یکی از این هزار

۱. از آن حضرت روایت شده که فرمود: «إذا بلغ نسي عدنان فأمسكوا؛ هنگامی که نسب من به عدنان رسید، توقف کنید!» (إعلام الوری، ص ۶؛ كشف الغمة، ج ۱، ص ۱۵).

۲. عام الفیل، سالی است که سپاه فیل سوار ابرهه، برای ویران کردن کعبه به مکه لشکرکشی کرد و خداوند به وسیله ابابیل آن‌ها را نابود کرد.

۳. إعلام الوری، ص ۵؛ كشف الغمة، ج ۱، ص ۱۵.

۴. همان.



و یک اسم، اسم ذات که «الله» و بقیه اسمای، اسمای صفات جمال و صفات جلال حضرت حق هستند و بنابر اینکه پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ مظهر و مظهر اسمای حسنی حق هستند، پس آن بزرگواران هزار اسم دارند. پس نه تنها پیامبر اکرم ﷺ هزار اسم دارد؛ بلکه امیرالمؤمنین ﷺ هم همین طور هستند؛ چون امیرالمؤمنین ﷺ نفس پیغمبر ﷺ هستند، او هم هزار اسم دارد. حضرت زهرا ﷺ و امام حسن مجتبی ﷺ و امام حسین ﷺ هم همین طور هستند.

اسامی اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ از نام‌های خدا گرفته شده است. از حضرت نبی اکرم ﷺ روایت شده که فرمودند:

هنگامی که حضرت حق حضرت آدم ﷺ را آفرید، چشم بصیرتش باز بود، عرش و کرسی و لوح و قلم، همه را می دید. حضرت آدم ﷺ دید اطراف عرش الهی پنج شبیح است. برایش سؤال شد که این‌ها کجا بودند؟ من کجا بودم؟ عرض کرد: «پروردگارا! پیش از من تابه حال بشری آفریده‌ای یا نه؟» حضرت حق فرمود: «نه!» عرض کرد: «پس این‌ها کی هستند؟! خطاب شد: «یا آدم، این‌ها از فرزندان تو هستند، و لکن اگر این‌ها نبودند، من اصلاً تو را و بهشت و جهنم و عرش و کرسی و آسمان و زمین و ملائکه و انس و جن را نمی آفریدم.» سپس حضرت حق فرمود: «اسم‌های این‌ها را از اسم خودم گرفتم. من محمود و این محمد است. من اعلی هستم و این علی است. من فاطر هستم و این فاطمه است، و من صاحب احسان هستم و این حسن است و من محسن هستم و این حسین است و ...»^۱

پس اسمای پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ، همه از اسمای حق مشتق هستند؛ یعنی نبی اکرم و اهل بیت ﷺ، مظهر و مظهر صفات حضرت حق هستند.



نام‌های پیامبر اکرم ﷺ

مشهورترین نام پیامبر اکرم ﷺ «محمد» است که در قرآن نیز آمده است. «محمد» اسم مفعول از باب تفعیل است که مبالغه را می‌رساند.^۱ «محمد»؛ یعنی حمد شده؛ یعنی خدا، ملائکه و جمیع عالم وجود، نبی اکرم ﷺ را ستایش می‌کنند. «محمود» هم به همین معناست.

در قرآن آن حضرت با نام‌ها و صفات گوناگونی یاد شده است که عبارت‌اند از: الرسول النبى الأمى،^۲ المزمّل،^۳ المدّثر،^۴ النذیر المبین،^۵ أحمد،^۶ محمد،^۷ المصطفی،^۸ الکریم،^۹ نور،^{۱۰} نعمت،^{۱۱} رحمت،^{۱۲} عبد،^{۱۳} رؤف، رحیم،^{۱۴} شاهد، مبشر، نذیر، داعی،^{۱۵} منذر،^{۱۶} عبدالله،^{۱۷} مذکر،^{۱۸} طه و یس.

از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده که فرمود: «من نام‌هایی دارم، من محمد هستم،

۱. کشف الغمّة، ج ۱، ص ۷.

۲. الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ؛ سورة اعراف، ۱۵۷.

۳. يَا أَيُّهَا الْمَرْمِلُ؛ سورة زمّل، ۱.

۴. يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ؛ سورة مدثر، ۱.

۵. قُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ؛ سورة حجر، ۸۹.

۶. وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ؛ سورة صف، ۶.

۷. مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ؛ سورة فتح، ۲۹.

۸. اللَّهُ يَصْطَلِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ؛ سورة حج، ۷۵.

۹. إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ؛ سورة حاقه، ۴۰.

۱۰. قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ؛ سورة مائده، ۱۵.

۱۱. يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يَنْكِرُونَهَا؛ سورة نحل، ۸۳.

۱۲. وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ سورة انبیاء، ۱۰۷.

۱۳. نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ؛ سورة فرقان، ۱.

۱۴. بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ؛ سورة توبه، ۱۲۸.

۱۵. إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِآذَنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا؛ سورة احزاب، ۴۶.

۱۶. إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ؛ سورة رعد، ۷.

۱۷. وَرَأَيْتَهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا؛ سورة جن، ۱۹.

۱۸. إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ؛ سورة غاشیه، ۲۱.



من احمد هستم، من ماحی هستم که خداوند کفر را به وسیله
من محو و نابود می‌کند، من حاشر هستم که مردم برگام‌های
من محشور می‌شوند،^۱ من عاقب هستم که پس از او کسی
(پیامبری) نیست.»

همچنین روایت شده که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «من قثم
(یعنی جامع و کامل) هستم و من اول و آخر (یعنی نخستین
مخلوق و آخرین پیامبر)^۲ هستم.»

در روایت دیگری آن حضرت، المقفی، (عاقب و مقفی
یعنی کسی به دنبال دیگران می‌آید، به این دلیل، حضرت ﷺ
عاقب نامیده شده که آخرین پیامبر است و پس از همه
پیامبران می‌آید.)^۳ نبی التوبة، نبی الملحمة، الخاتم، الغیث
و المتوکل نیز نامیده شده است.

برخی صفاتی که در حدیث برای پیامبر اکرم ﷺ ذکر شده،
عبارت است از:

راکب الجمل (شترسوار)، آکل الذراع (خورنده کتف)،
محرم المیته (حرام‌کننده مردار)، قابل الهدیه (قبول‌کننده
هدیه)، خاتم النبوة (آخرین پیامبر)، حامل الهراوة (حامل
نوعی عصا)، رسول الرحمة (پیامبر رحمت).^۴

من محمد هستم،
من احمد هستم،
من ماحی هستم
که خداوند کفر
را به وسیله من محو
و نابود می‌کند،
من حاشر هستم
که مردم برگام‌های من
محشور می‌شوند...

۱. علامه مجلسی می‌فرماید: «این جمله کنایه از این است که آن حضرت ﷺ نخستین

کسی است که در قیامت محشور می‌شود و مردم پس از وی محشور می‌شوند.»

(بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۹۳).

۲. إعلام الوری، ص ۹.

۳. کشف الغمة، ج ۱، ص ۸.

۴. إعلام الوری، ص ۷.



کنیه حضرت ﷺ، ابوالقاسم است و در تورات أبوالمرامل (پدر بیوه زنان) نامیده شده است. روایت شده که: وقتی ابراهیم، فرزند پیامبر اکرم ﷺ، به دنیا آمد، جبرئیل بر آن حضرت ﷺ نازل شد و گفت: «السلام عليك أبا إبراهيم»^۱

روزشمار زندگانی پیامبر اکرم ﷺ

پیش از ولادت پیامبر اکرم ﷺ، پدرش، حضرت عبدالله ﷺ چشم از جهان فرو بست.^۲ وفات حضرت عبدالله ﷺ در دو سال و چهار ماهگی پیامبر اکرم ﷺ نیز گفته شده است.^۳ پس از ولادت پیامبر اکرم ﷺ، حلیمه سعديه به آن حضرت ﷺ شیر داد.^۴

شش ساله بود^۵ که مادرش، حضرت آمنه ﷺ را به مدینه برد و در بازگشت از مدینه در محلی به نام ابواء حضرت آمنه ﷺ بیمار شد و از دنیا رفت.^۶ هشت سال از سن مبارک پیامبر اکرم ﷺ می‌گذشت که جدّ بزرگوارش حضرت عبدالمطلب ﷺ چشم از جهان فرو بست. پس از آن عموی بزرگوارش حضرت ابوطالب ﷺ سرپرستی آن حضرت ﷺ را به عهده گرفت. حضرت ابوطالب ﷺ پیامبر اکرم ﷺ را بسیار گرمی می‌داشت و تا زنده بود با دست و زبان از آن حضرت ﷺ حمایت می‌کرد.^۷

در ۲۵ سالگی با حضرت خدیجه ﷺ ازدواج کرد.^۸

۱. همان ص ۵؛ کشف الغمّة، ج ۱، ص ۷.

۲. قصص الأنبياء، ص ۳۱۶، ح ۳۹۳.

۳. کشف الغمّة، ج ۱، ص ۱۶.

۴. قصص الأنبياء، ص ۳۱۶، ح ۳۹۳؛ کشف الغمّة، ج ۱، ص ۱۵.

۵. همان، ص ۱۶.

۶. قصص الأنبياء، ص ۳۱۶، ح ۳۹۳.

۷. کشف الغمّة، ج ۱، ص ۱۶.

۸. قصص الأنبياء، ص ۳۱۶، ح ۳۹۳.



چهل سال از عمر شریف آن حضرت ﷺ می‌گذشت که در بیست و هفتم ماه رجب از سوی خداوند به پیامبری و رسالت مبعوث شد.^۱

در سال دهم بعثت حامی پیامبر اکرم ﷺ، حضرت ابوطالب ﷺ از دنیا رفت و سه روز پس از وفات حضرت ابوطالب ﷺ همسر باوفای پیامبر اکرم ﷺ، حضرت خدیجه ﷺ به سرای باقی شتافت. رسول خدا ﷺ سال وفات حضرت ابوطالب ﷺ و خدیجه ﷺ را عام‌الحرزن (سال غم و اندوه) نامید.^۲

از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده که فرمود:

ما زالت قریش کاعة عني حتى مات أبوطالب؛ قریش همواره از آزار رساندن به من بیم داشتند تا اینکه ابوطالب ﷺ وفات کرد.^۳

پیامبر اکرم ﷺ پس از بعثت، ۱۳ سال در مکه به تبلیغ اسلام پرداخت، آن‌گاه در سن ۵۳ سالگی به مدینه هجرت کرد. ده سال نیز در آن شهر مشغول هدایت مردم بود و سرانجام در روز دوشنبه ۲۸ صفر سال یازدهم هجری در سن ۶۳ سالگی دعوت حق را لبیک گفت.^۴ رحلت پیامبر اکرم ﷺ دوم ربیع‌الاول نیز گفته شده است.^۵

نگاهی به زندگانی و شخصیت حضرت خدیجه ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ در ۲۵ سالگی با حضرت خدیجه ﷺ، بانوی فداکار و ملکه حجاز ازدواج کرد. در اینجا مناسب است، پیش از آنکه به ماجرای ازدواج پیامبر اکرم ﷺ با حضرت خدیجه ﷺ پردازیم، نگاهی گذرا به زندگانی و شخصیت حضرت

۱. إعلام‌الوری، ص ۷.

۲. قصص‌الأنبياء، ص ۳۱۷.

۳. کشف‌الغمة، ج ۱، ص ۱۶.

۴. إعلام‌الوری، ص ۷؛ کشف‌الغمة، ج ۱، ص ۱۶.

۵. همان، ص ۱۴.



خدیجه علیها السلام داشته باشیم.

حضرت خدیجه علیها السلام، فرزند خُوَیْلِد بن اَسَد بن عبد العزی بن قصی بن کلاب بن مرة بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک بن النضر بن کنانة است که اجداد او در قصی بن کلاب به اجداد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می پیوندند.^۱ قصی بن کلاب جد چهارم حضرت خدیجه علیها السلام و نیای پنجم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

مادر خدیجه علیها السلام فاطمه دختر زائده بن اصم است و کنیه آن حضرت علیها السلام اُمّ هند است.^۲

احتمالاً حضرت خدیجه علیها السلام برای زنده ماندن نام مادرش، از پیامبر صلی الله علیه و آله درخواست کرد که نام دخترشان را فاطمه علیها السلام بگذارند.

حضرت خدیجه علیها السلام از خانواده علم و دانش بود و خاندانش از علما بودند. پدر و عمویش، ورقه، در علوم غریبه تخصص داشتند. ورقه^۳ از علما و دانشمندان جزیره العرب محسوب می شد. علمای یهود آن زمان در علم جفر و علوم غریبه تبحر داشتند و به وسیله آن پیشگویی می کردند.

مشهور است که حضرت خدیجه علیها السلام پیش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دوبار ازدواج کرده بود. اولین شوهرش عتیق نام داشت که از بزرگان مکه و جزیره العرب بود و از او صاحب دختری شد. پس از عتیق با مردی به نام هاله ازدواج کرد که او نیز از بزرگان مکه بود. حضرت خدیجه علیها السلام از هاله صاحب فرزندی به نام هند شد، به همین دلیل کنیه ایشان اُمّ هند است.^۴

۱. آل سیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۹؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۱؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷؛ أسد الغابة، ج ۶، ص ۷۸ - ۷۹؛ الإصابة، ج ۸، ص ۹۹؛ الذریة الطاهرة النبویه، ص ۲۴.

۲. الإصابة، ج ۸، ص ۱۰۰؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵ و ج ۸، ص ۱۲؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۱۳۵؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۸۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۲.

۳. ورقه بن نوفل در جاهلیت نصرانی بود و انجیل را از عبرانی به عربی ترجمه کرد (بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۲۸).

۴. إعلام الوری، ص ۱۳۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۰.



ثروت و شهرت حضرت خدیجه علیها السلام به حدی بود که در جزیره العرب به «ملکه بطحا» معروف شد. از دیگر القابی که برای ایشان بیان می‌کنند می‌توان به عقيله، کامله، صفیه، فاضله، عابده، مبارکه، طاهره اشاره کرد.

حضرت خدیجه علیها السلام به دلیل ارث زیادی که به او رسید و مهریه سنگینی که داشت، صاحب ثروت زیادی شد. همسر دوم حضرت خدیجه علیها السلام ثروتمند حجاز بود و ارث زیادی به آن حضرت علیها السلام و فرزندش رسید و پس از فوت فرزندش، همه ثروت به او منتقل شد. حضرت خدیجه علیها السلام با این ثروت در جزیره العرب شروع به تجارت کرد و غلام و کنیزان متعددی خرید. غلامان او کالا تهیه می‌کردند و برای تجارت به اطراف می‌فرستادند. حدود ۸۰ هزار شتر مال التجاره ایشان را جابه‌جا می‌کردند. حضرت خدیجه علیها السلام یگانه ثروتمند حجاز بود. بزرگان حجاز اموال ایشان را به عنوان مضاربه می‌گرفتند و با آن تجارت می‌کردند.

به همین دلیل، به این بزرگوار سیده النسوان، مبارکه و هاله هم می‌گفتند. ابوالحسن بکری صاحب الانوار درباره ثروت خدیجه علیها السلام می‌گوید:

حضرت خدیجه علیها السلام ثروتمندترین اهل مکه بود. وی در تمام قبایل عرب هزاران شتر، اسب و گوسفند داشت. حضرت خدیجه علیها السلام بردگان و کنیزان خود را به ازدواج یکدیگر درمی‌آورد، خیمه و امکانات در اختیار آنها قرار می‌داد و در میان قبایل عرب آنان را پراکنده می‌کرد. بردگان حضرت خدیجه علیها السلام به پرورش شتر و اسب می‌پرداختند و آنها را زیاد می‌کردند. او بیشتر از چهار هزار شتر داشت که برای تجارت به شام، عراق، بحرین، عمان، طائف، مصر، حبشه و شهرهای دیگر مسافرت می‌کردند؛ به طوری که گفته شده که او بیش از هشتاد هزار شتر در جاهای مختلف داشت. او در همه جا تجارت و در هر شهری مانند مصر و حبشه مال داشت.^۱